

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

بهرام رحمانی

۱۹ اکتوبر ۲۰۲۱

سی‌امین جلسه دادگاه حمید نوری در ستکهلم!

سی‌امین جلسه دادگاه حمید نوری در ستکهلم سویدن که روز دوشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۰ - ۱۸ اکتوبر ۲۰۲۱ برگزار شد، صدیقه حاجی محسن، به‌عنوان شاهد درباره اعدام برادرش حسین حاجی‌محسن شهادت داد.

در جلسه روز دوشنبه، وکیل مشاور صدیقه حاجی‌محسن گفت که حسین حاجی‌محسن متولد اردیبهشت ۱۳۳۳ بود و به اتهام عضویت در سازمان «راه کارگر» بازداشت و به ۱۵ سال زندان محکوم شده بود. او در زندان‌های اوین، قزل‌حصار و گوهردشت زندانی بوده و پنجم شهریور ۱۳۶۷ اعدام شده است.

بعد از اظهارات وکیل مشاور، صدیقه حاجی‌محسن گفت که در زمان دستگیری برادرش، خود او زندانی بوده و پس از آزادی از زندان در بهمن ۱۳۶۱ در جریان زندانی شدن برادرش قرار گرفته است: «من دلیل دستگیری او را نمی‌دانستم. حسین، معلم فنی و حرفه‌ای و در استخدام آموزش و پرورش بود. سال ۶۲ یا ۶۳ یک نامه از طرف آموزش و پرورش به خانه ما آمد که در این نامه اتهام حسین کمک مالی به گروه راه کار، پذیرش مکتب مارکسیستی، تشکیل جلسات گروهی و شرکت در میتینگ‌ها قید شده و او برای همیشه از کار در آموزش و پرورش منع و اخراج شده بود.» به گفته صدیقه، «یک هیاتی در آموزش و پرورش برای کسانی که دستگیر می‌شدند تشکیل می‌شد و دلیل غیبت آن‌ها را بررسی می‌کرد و ما از این طریق متوجه اتهامات حسین شدیم و در همین نامه ذکر شده بود که حسین ۱۵ سال حکم گرفته.»

وی سپس به قطع ملاقات زندانیان اشاره کرد و گفت: «از مرداد که ملاقات‌ها قطع شد. بستگان ما خبر از اعدام‌ها می‌دادند. با پدرم تماس گرفتند و گفتند به کمیته خیابان زنگان در غرب تهران مراجعه کند. پدرم با دو ساک برادرم برگشت. دو ساک از برادرم به پدرم دادند و گفتند که اعدامش کرده‌اند و اجازه برگزاری مراسم نداریم. در ساک برادرم چند پیراهن بود و یک لنگ، سه عینک شکسته که برادرم با منگنه آن‌ها را چسبانده بود و چند هسته خرمای سائیده شده.»

دو سال بعد اما خدیجه حاجی‌محسن با شناسنامه برادرش به زندان اوین مراجعه می‌کند و شناسنامه برادرش را از او گرفته و باطل می‌کنند: «تاریخ فوتش را ۱۱ مهر ۶۷ نوشتند. بعد یک گواهی فوت به ما دادند. یعنی دو سال بعد از قتل برادرم، شناسنامه او را باطل کردند.»

رونوشت شناسنامه، برگه فوت، گواهی‌نامه پایان تحصیلات، برگه استخدامی و سه نامه حسین حاجی‌محسن به خانواده‌اش، مدارکی هستند که صدیقه حاجی‌محسن به دادگاه ارائه داده است.

وی درباره گواهی فوت صادر شده برای برادرش گفت که دو سال بعد از اعدام برادرش در سال ۶۷، مرگ او در سال ۶۹ در دفتر مردگان بهشت زهرا ثبت شده است.

صدیقه گفت: «برادرم عاشق گل و گیاه بود و در وقت هواخوری گل‌هائی را در هواخوری زندان گوهردشت کاشته بود. وقتی ملاقات‌ها ممنوع شد، هواخوری را هم ممنوع کردند و او دیگر نمی‌توانست به هواخوری برود و به گل‌هایش آب بدهد برای همین با قوطی‌های مایع ظرفشویی، لوله‌ای درست کرده بود و به گل‌ها آب می‌داد. پاسدارها که صدای آب را می‌شنوند، برادر مرا بیرون می‌کشند و می‌پرسند که چرا این کار را کرده؟ می‌گویند باید به گل‌ها آب می‌داد چون داشتند می‌مردند. پاسدار به او می‌گوید که برو فکر خودت باش. گل‌ها که هیچ، خودت هم می‌میری. برادرم می‌گوید کسانی باید فکر خودشان باشند که قطع‌نامه جنگ را امضاء کرده‌اند. پاسدار یک سیلی به صورت او می‌زند و او را به بند برمی‌گردانند.»

حاجی‌محسن ادامه داد که این ماجرا را زندانی‌های دیگر که از اعدام‌ها جان به در برده‌اند شنیده‌اند. صدیقه در پاسخ به سؤال وکیل مشاور درباره وضعیت روحی و روانی‌اش پس از اعدام برادرش، گفت: «من تا مدت‌ها فکر می‌کردم این کابوسی‌ست که در خواب می‌بینم. پدرم همیشه به برادرم افتخار می‌کرد و با او خوشحال بود اما بعد از مرگ او دیگر هیچ‌وقت شادی نکرد. مادرم هیچ‌وقت مرگ پسرش را باور نکرد. سوگواری ما کامل نشد. مزار حسین را به ما نشان ندادند.»

صدیقه حاجی‌محسن در جلسه محاکمه حمید نوری به اتهام مشارکت در اعدام چند هزار زندانی سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷، گفت که برادرش معلم فنی و حرفه‌ای بوده و پنجم شهریور سال ۱۳۶۷ «در اولین روز چپ‌کشی» اعدام شده است.

صدیقه حاجی‌محسن، خواهر حسین حاجی‌محسن که در سال ۱۳۶۷ اعدام شده است از دادگاه خواست که از حمید نوری بپرسد مقصد کامیون‌های یخچال‌دار که تابستان ۶۷ از زندان خارج می‌شده‌اند کجا بوده است. وی به‌عنوان شاکی درباره اعدام برادرش در دادگاه حضور داشت تاکید کرد که حمید نوری به‌عنوان دادیار زندان اوین و زندان گوهردشت حتما مقصد کامیون‌های را می‌داند و باید بگوید. اشاره وی به کامیون‌هائی است که به گفته شاهدان و کسانی که از اعدام‌ها جان به در برده‌اند جنازه‌های اعدام‌شدگان را به بیرون از زندان منتقل می‌کرد.

در جلسه روز دوشنبه دادگاه حمید نوری، وکیل مشاور گفت که مردم از حرکات حمید نوری عصبانی هستند: «او انگشتش را در هوا بلند می‌کند و تکان می‌دهد. این عمل باعث خشم افراد در محل دادگاه شده. ممکن است رئیس دادگاه این حرکات او را ندیده باشد اما عده زیادی از حاضران دیده‌اند. جای چنین اعمال و رفتاری در دادگاه نیست.»

توماس ساندر، رئیس دادگاه، گفت که متوجه این حرکت‌ها نشده و نسبت به عدم تکرار آن‌ها توجه و هشدار می‌دهد. هسلبری وکیل مشاور گفت: ۲۲ ماه مه ۸۳ محکوم شده است. او در گوهردشت و قزل حصار بود. سال ۱۳۶۵ که مصاف با سال ۹۶ است حسین را به گوهردشت آوردند و قزل حصار را بستند. بعدا گفته شده که حسین در ماه آذر ۶۷ اعدام شده است. آن وقت از پدرش خواستند تا وسایل حسین را به او بدهد و آن موقع به او می‌گویند که حسین اعدام شده است. حتی گفته شده ۵ شهریور ۶۷ اعدام شده است. این‌ها را صدیقه از هم‌بندی‌های برادرش شنیده و به غیر از آن مدارک کتبی هم وجود دارد...

رئیس دادگاه: مرسی وکیل هسلبری. خیلی خوب صدیقه حاجی محسن دادستان‌ها از شما سؤال خواهند کرد. صدیقه سئوالی دارید.

صدیقه: خیلی خوشحالم که در اینجا حضور دارم تا قاتل زندانیان سیاسی گهردشت را از نزدیک ببینم...

رئیس دادگاه: دادستان‌ها اول خود را معرفی می‌کنند و سؤال می‌پرسند.

دادستان: سلام صدیقه. اسم من مارتینا وینسلو است و یکی از دادستان‌های این پرونده هستم. قبل از این شروع کنم واضح بگوئید کدام مسئله را خودت دیدید و یا شنیدید. خیلی زمان گذشته می‌توانید بگوئید نمی‌دانم و یا یادم نیست. اسم کامل برادرت چی بود؟

صدیقه: حسین حاجی محسن.

دادستان: او را به اسم دیگری هم صدا می‌زدند؟

صدیقه: در خانه امیر حسین صدایش می‌کردند.

دادستان: افراد خانواده شما چند نفر بودند؟ کجا زندگی می‌کردید؟

صدیقه: پدر و مادرم و من و برادر کوچکم و دو تن از خواهرانم که ازدواج کرده بودند. ما در تهران زندگی می‌کردیم.

دادستان: تصویری را می‌خواهم نشان دهم و تو عکسی به گردنت انداخته‌اید. این عکس کیست؟

صدیقه: برادرم حسین است.

دادستان: می‌دانید این عکس کیست؟

صدیقه: این عکسی که مهدی اصلانی در کتابش پخش کرده اشتباه است و عکس برادر من نیست.

دادستان: شما کتاب مهدی اصلانی را خوانده‌اید؟

بخشی را نگاه کردم.

دادستان: آن موقع متوجه شدید این عکس اشتباه است؟

صدیقه: همه اطلاعات و نامه‌هایی که از برادرم اصلانی منتشر کرده است همه درست هستند و فقط عکس اشتباه است.

دادستان: اصلانی را دیدید و با وی صحبت داشتید.

خدیجه: بلی او را ۳۲ سال پیش در ایران دیدم.

دادستان: آیا برادر تو حسین در سال ۱۳۶۱ دستگیر شد؟

صدیقه: بلی

دادستان: تو از کجا مطلع شدید برادرت دستگیر شده است؟

صدیقه: من سال ۱۳۶۱ از زندان آزاد شدم آن وقت پدرم گفت برادرم دستگیر شده است.

...

دادستان: می‌دانید برادرت چه کار کرده بود که منجر به دستگیرش شد؟

خدیجه: کمک مالی به راه کارگر - تشکیل جلسات گروهی - شرکت در اعتراضات - پخش اعلامیه و... نیز پذیرش مکتب مارکسیستی.

...

دادستان: آیا به شما گفتند برادرت اعدام شده است؟

خدیجه: مرگش در دفتر مردگان سال ۱۳۶۹ حوزه بهشت زهرا تهران شماره ۲۰۱۹۴۲ ثبت شده است. این تاریخ پس از ۲ سال مرگ برادر من ثبت شده است.

...

همزمان با برگزاری دادگاه حمید نوری و حضور صدیقه حاجی‌محسن در این دادگاه، در مقابل ساختمان دادگاه غیر از تجمع سازمان مجاهدین خلق، تعدادی از مادران خاوران و خانواده‌های اعدام‌شدگان نیز تجمع کردند. آن‌ها پیش‌تر با انتشار فراخوانی اعلام کرده بودند که همزمان با شرکت صدیقه حاج محسن، لاله بازرگان و عصمت طالبی به‌عنوان شاکی در دادگاه حمید نوری، مقابل دادگاه ستهلم با حضور نمادین مادران خاوران گردهم خواهند آمد تا «پژواک صدای حق‌طلبانه خانواده جان‌باختگان در دستیابی به حقیقت و اجرای عدالت باشیم.»

لاله بازرگان و عصمت طالبی قرار است روز سه‌شنبه ۱۹ اکتوبر به‌عنوان شاکی در دادگاه حضور یابند.